

# حملات اوباش حزب الهی به زنان در تهران

زنان تهران مجروح گردیدند. مهاجمین علاوه بر زنان، مردان رهگذر را نیز به بهانه "بدلباسی" مورد تعرض قرار می دادند.

از سرگیری مجدد حملات اوباش حزب الهی به زنان، می تواند حاکی از تشدید منازعات درونی خودرژیم نیز باشد. در حالی که به ویژه در هفته های پس از برقراری آتش بس، برخی از سیاست ها و ژست های ارگان های رژیم نشانگر تلاش فزاینده آنها بود تا و انمود کنند دوره "فالاتر بازی" به سر رسیده است، اوباشگری اخیر همه این تلاش ها و اثرات آن را نقش بر آب می کند. مسئول مستقیم همه تعرضات به زنان، سرکردگان رژیم خمینی هستند که گاه بگاه در نماز جمعه زنان را تهدید می کنند که در صورت ادامه "بدحجابی" به "امت حزب الله" ندا خواهند داد که وارد میدان شوند. رژیمی که یک رکن مهم بقای خود را لطمین ها و اشرار حزب الهی قرار داده است، برای حفظ این سیاهی لشکر، باید هر از چندی به هر بده کشتی و زذالت های آنها میدان دهد. این پدیده های شوم، جز لاینفکی از حیات این رژیمند، خواه در چارچوب سیاست هماهنگ و تنظیم شده از "بالا" صورت گیرند و خواه بعنوان امری در تسویه حسابها و لشکر آرایه های درونی □

"سخنرانی" زنان را تهدید به قتل می کرد. حملات اوباش حزب الهی که از حمایت پاسداران کمیته برخوردار بودند بویژه در خیابانهای مرکزی و شمالی تهران متمرکز بود. حزب الهی ها که به چاقو، زنجیر و چماق مسلح بودند، به هر زنی که از خیابان گذر می کرد، یورش می آوردند. در اثر این اوباشگری عده ای از

در هفته گذشته بار دیگر خیابان مصدق (ولی عصر) تهران شاهد حملات اوباش حزب الهی به زنان بود. چاقوکش ها و پاسداران رژیم در چند مورد به ضرب و شتم زنان به بهانه "بدحجابی" پرداختند. در میدان ولی عصر، اوباش در روز چهارشنبه جمع شده و دست به هر بده کشتی زدند. یکی از رجاله ها، با به راه انداختن

## اکتبر

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۸ مهر ۱۳۶۷ برابر ۱۰ اکتبر ۱۹۸۸  
 بهاء ۶۰۰ ریال - سال پنجم - شماره ۲۲۸

## چشم انداز صلح روشن تر شد

\* در مذاکرات نیویورک، رئوس پیشنهادهای دبیرکل سازمان ملل مورد توافق قرار گرفت

است. به تقصیر دو رژیم جنایتکار، مذاکرات صلح در طول چند هفته اخیر با مشکلات و موانعی روبرو شد و در مقطعی به بن بست رسید. مهم ترین این موانع، پافشاری رژیم خمینی بر ادامه بازرسی کشتی ها و عدم پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر از سوی رژیم صدام حسین بوده اند. اخبار منتشره پس از پایان گفتگوها در نیویورک، نشان می دهد جنگ افروزان در هر دو کشور، ناتوان تر از آن بوده اند که بتوانند روند صلح را با شکست قطعی مواجه کنند. اکنون چشم انداز صلح روشن تر شده است، اما خطر تشنج آفرینی و اختلال در آتش بس، از سوی سردو رژیم که مسئولیت ۸ سال کشتار و ویرانی را بر عهده دارند، به قوت خود باقی است □

۱۵ روز به پشت مرزهای شناخته شده بین المللی باز خواهند گشت. بنا به اظهارات ولایتی، نمایندگان دو دولت در مورد مبادله اسرا نیز به توافق دست یافته اند. در گزارشهای منتشره، اشاره ای به این نشده است که سرانجام اختلاف دو رژیم در مورد شط العرب و لایروبی آن، چه شده است. رژیم خمینی پس از برقراری آتش بس، با نقض مقررات بین المللی و در ادامه سیاست جنگ افروزان خود، اعلام کرده بود که همچنان حق بازرسی کشتی های را که به متصد هرات کالا حمل می کنند، برای خود محفوظ می داند. اکنون با اعلام خودداری رژیم از این اقدام راهزانه، یک شکست دیگر به جمهوری اسلامی تحمیل شده

به گزارش خبرگزایها، ولایتی وزیر خارجه جمهوری اسلامی پس از پایان اتامتش در نیویورک و شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و مذاکرات صلح ایران و عراق، در بازگشت به تهران اعلام کرد دو رژیم در مورد رئوس پیشنهادهای دبیرکل سازمان ملل متحد در باره نحوه اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت به توافق رسیده و این پیشنهادهارا پذیرفته اند. به گفته ولایتی، جمهوری اسلامی از این پس از بازرسی کشتی های که به متصد هرات از تنگه هرمز می گذرند، خودداری خواهد کرد. وزیر خارجه رژیم خمینی افزوده است که طبق توافق جدید، نیروهای مسلح دو طرف در ظرف

## پینوشه در همه پرسی شکست خورد

\* به اعتراف دیکتاتور، ۵۵ درصد رای دهندگان با ادامه ریاست جمهوری او مخالفت کردند

برکناری فوری پینوشه صورت گرفت. تا هنگام تنظیم این گزارش، دو نفر در جریان سرکوب این تظاهرات توسط ارگانهای سرکوب پینوشه کشته شدند. در آستانه برگزاری فراندوم، بیش از یک میلیون نفر از مردم شیلی با شرکت در تظاهراتی در سانتیاگو مخالفت خود را با ادامه ریاست جمهوری پینوشه که در سال ۱۹۷۳ با کودتا علیه سالوادور آلنده به قدرت رسید، مورد تاکید قرار دادند. رژیم بقیه در صفحه ۱۰

ریاست جمهوری تن دهد و در آغاز سال ۱۹۹۰ جای خود را به یک رئیس جمهور منتخب بدهد. نیروهای چپ و دمکراتیک پس از شکست پینوشه در همه پرسی، اعلام کردند زمان بندی مورد نظر دیکتاتور برای کناره گیری را نخواهند پذیرفت و خواهان بزیب کشیدن فوری پینوشه از مسند قدرت شدند. پس از اعلام نتیجه همه پرسی و اعتراف پینوشه به شکست، در سانتیاگو پایتخت شیلی تظاهراتی به طرفداری از

آگوستو پینوشه، دیکتاتور شیلی که امیدوار بود بتواند با برگزاری همه پرسی ۵ اکتبر، تا سال ۱۹۹۷ به حکومت ننگین خود ادامه دهد، در این فراندوم دچار شکست سختی شد. به اعتراف خود رژیم، ۵۵ درصد شرکت کنندگان در همه پرسی به ادامه ریاست جمهوری پینوشه رای مخالف داده اند. بدین ترتیب پینوشه ناچار است طبق قانون اساسی که خود تصویب کرده است، در سال ۱۹۸۹ به برگزاری انتخابات آزاد پارلمان و

## در این شماره

«بازسازی»، عرصه نوینی برای غارتگری

در صفحه ۶

\*\*\*

در غرب کرمانشاه چه گذشت؟

در صفحه ۳

\*\*\*

«ای اوشاقلار، ای اوشاقلار»،

در صفحه ۵

\*\*\*

نقش نهاد ریاست جمهوری در نظام حکومتی آمریکا

در صفحه ۹

## از شکاف راس رژیم

## مکاتبات محرمانه خامنه‌ای و موسوی به بیرون فرستاده شد

از اعلام استعفای «ناگهانی» و بی‌مقدمه» میرحسین موسوی نخست وزیر رژیم بیش از یکماه نمی‌گذرد که انتشار هملنی نامه‌های محرمانه موسوی و خامنه‌ای رئیس جمهور، گوشه‌های دیگری از ابعاد شکاف راس هرم حکومتی رژیم فقها را هویدا ساخته است. اینکه کدام «منصر نایب» دست به انتشار این نامه‌های فوق محرمانه زده است، اینکه این نامه‌ها از دفتر ریاست جمهوری و یا از کاخ نخست وزیری به «بیرون» درز کرده است، در شرایط لحظه‌چندان در خور تامل نیست - گرچه خود این مسئله فردا به تیزتر کردن آتش جنگ درون حکومتی خواهد انجامید - بلکه مضمون و محتوی این دو نامه، با بار افشاکگری آن، حائز اهمیت فوق العاده‌ای می‌باشد. جمهوری اسلامی، جمهوری «وحدت ضدين» نیست بلکه جمهوری «جمع اضداد» است و هر یک از این «ضدين» برای خود قاعده و مشی معینی دارد، برای خود قدرتی فراهم آورده است و بدین ترتیب نه تنها جنگ درون حکومتی تخفیف نمی‌یابد، نه تنها زرادخانه‌ها از عملکرد نمی‌مانند، بلکه حتی هر دور جدید جنگ به معنای گسترش و هم‌قربانی شکاف در راس حکومت بوده و «آتش بس‌های تحمیلی» که از جانب مقام «امام» دیکته می‌شوند، مقدمه جنگی شدیدتر بحساب می‌آیند. نامه‌های محرمانه و فوق محرمانه نخست وزیر و رئیس جمهور رژیم نیز، بی‌شک و تردید، در مدار همین جنگ و جدل درون حکومتی قابل طرح می‌باشند. «فوق محرمانه» هستند و محرمانه نمی‌مانند، چراکه جنگ درون حکومتی احتیاج به «جنگ افزار» دارد و «محرمانه» تنها آن چیزی است که «همه» از افشای آن آسیب می‌بینند و نه یک جریان!

همه به یاد دارند که موسوی به هنگام اعلام استعفای کذائی عنوان کرد که مسائل را طی یک نامه‌ای به اطلاع خامنه‌ای رسانده است. این نامه و همچنین نامه خامنه‌ای به موسوی که در آن هنگام با توجیه رعایت

«مصلحت‌های رژیم» و «چلوگری از سواستفاده ضد انقلاب» انتشار نیافت، چندی پس از اعلام استعفای رسمی، از همان شکاف حکومتی به بیرون درز کرد. آن زمان، سخنان «تند و پرمعنای» خمینی، موسوی را وادار به عقب‌نشینی نمود و وی مجدداً بی‌آنکه سنگر جدیدی را تصرف کرده باشد، به سرکار خود در کاخ نخست وزیری بازگشت. نامه موسوی به خامنه‌ای که در تاریخ ۱۴ شهریورماه نوشته شده است، یعنی درست روز قبل از اعلام رسمی استعفای وی از رسانه‌های دولتی، حاوی مطالب هدیده و خودافشاکرانه‌ای است. موسوی نامه خود را در چند بند تنظیم کرده است. در «شکایت نامه» موسوی بندیک به «مسئول‌الاختیار شدن دولت در سیاست خارجی» اختصاص دارد. وی نوشته است: «... مسئول‌الاختیار شدن دولت در سیاست خارجی. امروز امور افغانستان و عراق و لبنان در دست جناب‌عالی است. نامه‌هایی به عنوان کشورهای مختلف نوشته می‌شود. بی‌آنکه دولت از آن‌ها خبری داشته باشد». وی در ادامه مطالب مهمین بند، در رابطه با مناسبات جمهوری اسلامی و آمریکا می‌نویسد: «آقای لاریجانی در جایی می‌گوید که از پنج کانال با آمریکا تماس گرفته می‌شود و بنده به عنوان رئیس هیات وزیران از این کانال‌ها اطلاعی ندارم». البته اعتراض موسوی به این شکل تماس با آمریکا، آشکارترین اعتراضی است که تاکنون از سوی مقامات رژیم پیرامون مذاکرات مخفیانه با آمریکا شده است. تاکنون مقامات جمهوری اسلامی صراحتاً وجود چنین تماس‌هایی را تکذیب می‌کردند. موسوی اکنون مهترض است که چرا در این گفتگو او را بی‌خبر نگه داشته‌اند.

میرحسین موسوی در ادامه مطالب مندرج در نامه خود، همچنین اشاره می‌کند: «نخست‌وزیر محترم ژاپن برای ریاست محترم مجلس و ریاست محترم مجلس برای نخست‌وزیر ژاپن نامه می‌نویسند و اینجانب در یک مراسم رسمی و مردمی از این

ماجرا و متن نامه باخبر می‌شوم». از قرار معلوم جمهوری اسلامی، نامه‌های فوق محرمانه فوق العاده زیاد دارد! - نخست وزیر رژیم در بند ۴ نامه خود به هملنیات برون مرزی رژیم و نقش خامنه‌ای در این عملیات اشاره می‌کند و می‌نویسد: «عملیات برون مرزی نیز بدون اطلاع و دستور دولت صورت می‌گیرد. شما میدانید که فاجعه آفرینی و اثر نامطلوب آن‌ها برای کشور چقدر بوده است. بعد از آن که هواپیمایی رپوده می‌شود، از آن باخبر می‌شویم و وقتی آتش مسلسل‌های در یکی از خیابانهای لبنان گشوده می‌شود و صدای آن در همه جا می‌پیچد متوجه قضیه می‌شویم. پس از کشف مواد منفجره از حجاج ما در جده اینجانب از این امر آگاه می‌شوم. متأسفانه و هلیرفم همه ضرر و زیانی که این حرکات متوجه کشور کرده است، هنوز هم این عملیات می‌توانند بر لحظه و هر ساعت بنام دولت صورت گیرد».

موسوی نخست وزیر رژیم در ادامه نامه خود، فاش می‌سازد که تجزیه سازمان برنامچه و بودجه از نخست وزیری به «دلائل سیاسی» صورت گرفته است. موسوی در دیگر بخش‌های نامه به قدر قدرتی «شورای‌های گوناگون» در امور دولت اشاره کرده است.

خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم نیز طی نامه‌ای به «همان اندازه محرمانه» با موضوع استعفای موسوی برخورد می‌کند خامنه‌ای در این نامه تاکید کرد که با سیاست های دولت موافقت ندارد و حتی افزود: «هم اکنون نزدیک به نیمی از وزرای دولت که مورد قبول اینجانب نبوده‌اند با حکم آن هیات - هیات سه نفره منصوب خمینی - بر سرکارند». خامنه‌ای همچنین با تلاش موسوی برای دور زدن مجلس شورای اسلامی در زمینه رای اعتماد به کابینه مخالفت کرد و گفت: «شما اگر نظر مجلس را مرجع واقعی می‌دانید نباید از عرضه دولت به مجلس و خواستن رای اعتماد استنکاف کنید». باید یادآور شد که موسوی بنا به مصوبه مجلس، پیش از آن نقش رئیس جمهور در معرفی نخست وزیر را

دور زده بود. خامنه‌ای رئیس جمهور در نامه خود ضمن اعتراض به حداختیارات نخست وزیر، تلویحاً نقش خمینی را در تفویض این اختیارات به موسوی مورد انتقاد قرار داد و گفت: «جناب‌عالی از اختیارات نخست وزیر طبق اصل ۱۴۴ قانون اساسی کاملاً برخوردار بوده‌اید و حتی به برکت لطف حضرت امام و حمایتی که همواره از دولت کرده‌اند تا بتوانند وظایف خود را به خوبی انجام دهد، اختیاراتی بیش از مقرر در قانون نیز کسب کرده و آن را اعمال نیز کرده‌اید». خامنه‌ای در همین بخش از نامه خود، اظهار کرد که پیرامون این اختیارات غیر قانونی و اعمال این اختیارات غیر قانونی، نامه‌ای به پیوست برای موسوی نخست وزیر، ارسال خواهد کرد.

خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم در قسمت پایانی نامه خود، بالحن تند نسبت به استعفای موسوی برخورد کرده و می‌نویسد: «اینجانب با وجود اختلاف نظرهای چندی باشما در نحوه اداره کشور و اعتراض به روش‌های شما به ویژه در مسائل اقتصادی همان طور که می‌دانید همواره در همه مراحل بد شما کمک کرده‌ام و اکنون هم استعفای شما را به مصلحت ندانسته و اصرار بر آن را ضربه به نظام و حتی با کمال معذرت خانت البته خیانتی غیر همدی - می‌دانم».

خامنه‌ای در انتهای نامه خود از موسوی نخست وزیر می‌خواهد: «مستقدم خوب است جناب‌عالی امروز نظرات حضرت امام در امور اقتصادی را به طور درست بپذیرید». «نظرات حضرت امام در امور اقتصادی» نیز همین چندی پیش از جانب خود خمینی مطرح شد که در راس آن «مشارکت مردم» - بخوان بخش خصوصی - در بازسازی مقدس اقتصادی است.

بدین ترتیب نامه‌های فوق محرمانه ریاست جمهوری و نخست وزیری از دفتر ریاست جمهوری یا از کاخ نخست وزیری به بیرون درز می‌کند. بدیهی است که این همه تنها گوشه‌ای از شدت وحدت بحران درون حکومتی، است، اما در جنگ درون حکومتی، رقبا نه یکدیگر را بلکه کل رژیم را افشا می‌کنند و این در آگاهی و رزمجویی توده‌های زحمتکش کشور، بشدت تاثیر خواهد داشت.

## در غرب کرمانشاه چه گذشت

خود را در تروریسم هارو همان گسیخته دید. شاید حتی بتوان گفت که وقایع غرب کرمانشاه، از این زاویه برای خمینی یک "مآلده آسمانی" بود...

بسج برای کشتار... در کارخانه‌ها، ادارات و موسسات دولتی، فالانژترین مدیران و مسئولان، به اجبار تعدادی از کارکنان را در کاروانهای مختلف، رهسپار جبهه‌ها کردند. بعضی از خود مقامات رژیم هم که بوبرده بودند که تا وقتی به جبهه‌ها برسند، کار سلاخی و کشتار به پایان خواهد رسید، به این کاروانها پیوستند. پس از حمله هوانیروز رژیم به نیروهای مجاهدین، مزدوران که تعدادشان چندین برابر مجاهدین بود، آنها را محاصره کردند و کشتار آغاز شد...

صحنه‌های فجیع و دهشتناکی که در آن هنگام به وقوع پیوسته، مرگزار یاد کسانی که آن راه چشم دیدند نخواهد رفت. جنایتکاران، گله‌گله به افرادی از مجاهدین که از آتش باری سنگین هوانیروز جان سالم بدر برده و در پناه تانک‌ها، زرمپوش‌ها و جیب‌های سوخته سنگر گرفته بودند، حمله می‌کردند. جلادان رژیم، وقتی به کشته یک مجاهد دست می‌یافتند، جنازه او را مثله می‌کردند. در روز پس از پایان نبرد، در امتداد جاده کرمانشاه - اسلام‌آباد و کرمانشاه - کرد سرهای بریده مجاهدین را روی چوبها گذاشته و چوبها را در کنار جاده فرو کرده بودند. ددمنش‌هایی که خود آخوندها به شهر و یزید نسبت می‌دهند، از دژخیمان خمینی سر می‌زد. شماری از مجاهدین، مجروح شده بودند و در زیر آفتاب سوزان مردادماه، قادر به حرکت نبودند. مزدوران به دستور فرماندهانشان، می‌گذاشتند تا این مجروحین، به مرگی جانکاه و بطور تدریجی بمیرند. پس از بقیه در صحنه ۱۰

جنگ تا پیروزی دادن، یک شبه پوچ از آب درآمده باشد.

در چنین شرایطی، سران رژیم چاره را در تغییر ناگهانی شعارها و سیاست تبلیغاتی خود دیدند. "جنگ برای فتح کربلا" به یکباره به "دفاع مقدس" تبدیل شد. رادیوی رژیم، از همه خواست تا برای "دفاع از خاک میهن" به صف بسج پیوندند. در تبلیغات رژیم، تقریباً بلااستثنا تنها از پیشروی ارتش عراق سخن می‌گفتند. رژیم در تدارک برای سرکوب و حشیانه مجاهدین، راه برون رفت از موقعیتی را می‌دید که پس از اعلام پذیرش آتش‌بس به آن دچار شده بود. رجاله‌هایی



یکی از مجروحین عملیات که به مصاحبه تلویزیونی کشانده شده است.

مانند مادی فغاری و قداره‌بندهای آدم‌کش، به سرعت دریافتند که باز دوره، دور آنهاست. رژیمی که حکومت خود را بر جوخه‌های اهدام و چوبه‌های دار و سرنیزه استوار کرده است، باز راز بقای

روزها ۸ هزار تن از نیروهای ایرانی را به اسارت گرفته و ۴ میلیارد دلار اسلحه را تصاحب کرده است. بزرگترین انبار اسلحه رژیم در کرمانشاه در همان روزها به کلی سوخت و از بین رفت. برای این حادثه، هلال مختلفی ذکر می‌کنند، از جمله بمباران هوایی عراق، آتش سوزی و ... مردم کرمانشاه صدای انفجارهای پیاپی را که تا ساعتها ادامه داشت،



سه تن از مردم اسلام‌آباد که در ملامه به دار آویخته شدند.

شنیدند. در آن روزها، پیوسته سربازان، افسران و پاسدارانی را می‌دیدید که اسلحه خود را فروخته یا گم‌وگور کرده بودند، لباس غیرنظامی پوشیده و یا با همان لباس نظامی، راه فرار را در پیش گرفته بودند. یک فرمانده ارتشی، پاگونیهای خود را کنده بود و به زیردستانش گفته بود به مرجع که می‌خواهند، بروند و خود هم فرار کرده بود. در شهرهای دیگر هم رژیم به شدت در موضع دفاعی قرار گرفته بود. حزب‌اللهی‌ها بعد از زهرخوردن امامشان، جرات سربلند کردن نداشتند. هنوز باور نمی‌کردند که آنهمه هرده‌کشی ۸ ساله و شعار جنگ

انجامید، تا حدودی وقایع آن روزها را تحت الشعاع قرار داد. اما بی‌شک، ددمنش‌های جلادان رژیم در آن روزها نیز مانند سایر جنایتکاران پوشیده نخواهد ماند. بسیاری چشم‌هایی که آن جنایات را دیدند و باز بسیاری دهان‌هایی که آنها را بازگو خواهند کرد...

در آخرین روزهای پیش از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی و سه ویژه در نخستین روزهای پس از آن، از هم گسیختگی شدیدی گریبان نیروهای مسلح رژیم را در جبهه‌ها گرفته بود. سربازانی که در آن روزها در جبهه بودند، خبر از موارد بسیار زیاد فرار، سرپیچی از دستور فرماندهان، فروش سلاحها و حتی پیوستن فرماندهان به خیل فراریان از جبهه می‌دهند. پیشروی برای ارتش عراق بسیار ساده شده بود. عراقی‌ها بدون برخورد به کوچکترین مقاومتی، گاه کیلومترها پیش می‌آمدند و روستاها و شهرها را یکی پس از دیگری تصرف می‌کردند. رژیم عراق مدعی است که در همان

### تلفات عملیات نظامی سازمان مجاهدین خلق در غرب کشور اعلام شد

شخصیت هائی که از طریق "شورای ملی مقاومت" با سازمان مجاهدین همکاری می‌کردند و در این عملیات شرکت ورزیده بودند، به قتل رسیدند که از آن میان از ابوذر ورداسبی، محمدحسین حبیبی و کاظم باقرزاده نام برده شده است.

سازمان مجاهدین خلق نیز در جریان این عملیات جان باختند که پنج نفر از آنان عضو هیات اجرائی و ۱۱ تن معاونان هیات اجرائی بودند. مجاهد خلق هلی زرشک (جانشین پیشین مسئول اول سازمان مجاهدین) نیز در طی عملیات به قتل رسید. هم چنین تنی چند از

سازمان مجاهدین خلق تلفاتی را که در جریان عملیات مردادماه در مناطق غربی کشور به نیروهای این سازمان وارد آمده، اعلام داشته است. بنا به این خبر ۱۲۶۳ تن از کسانی که در این عملیات شرکت داشتند کشته شدند. هدهای از رهبران سازمان

## احمد خمینی مسئول تنظیم و تایید نوشته های خمینی شد

مسئولیت تنظیم و تدوین نوشته های که تا کنون با قلم و امضای خمینی انتشار یافته است، بر اساس دستور خمینی، به پسر وی احمد خمینی سپرده شد. احمد خمینی در نامه ای که به خمینی نوشت از وی خواست برای جلوگیری از اشتباه و اختلاف در اسناد منتشره خود، فردی را مسئول گردآوری و تایید آن بکند. خمینی در پاسخ به درخواست احمد نوشت: «از آنجا که شما را به حمدالله و تعالی در مسایل سیاسی و اجتماعی صاحب نظر می دانم و در تمامی فراز و نشیب هادر کنارم بوده ای و هستی و با صداقت و کیاست امور سیاسی و اجتماعی اینجانب را متصدی هستی، مهمدا شما را برای تنظیم و تدوین کلیه مسایل مربوط به خود که چه بسا در رسانه های گروهبی اختلافات و اشتباهاتی روی داده است - انتخاب می نمایم و از خداوند متعال که حاضر و ناظر است توفیقات شما را خواستارم. امید است با صرف وقت و دقت نظر این امر را به پایان برسانید.»

بر اساس برخی آمار اگر بنا باشد احمد خمینی تمام یادداشت های خمینی را گردآوری و تایید کند، حداقل باید ۲۴ هزار نسخه نوشته را از او بازخوانی کند.

## ناکامی ورزشکاران ایرانی در بازی های المپیک سئول

روز یکشنبه ۱۵ مهرماه بازی های المپیک تابستانی سئول پایان یافت و کاروان ۵۷ نفری ایران به تهران بازگشت. در این دوره از بازیها، ۳۵ ورزشکار ایرانی در چهار رشته کشتی آزاد، کشتی فرنگی، دوچرخه سواری و تکواندو شرکت کرده بودند. در بازی های المپیک ۸۸، مسابقات تکواندو جزو رقابتهای رسمی المپیک نبود و نتایج حاصل از این مسابقات در جدول رده بندی تیم های شرکت کننده تاثیر نداشت. از جمع ورزشکاران اهزامی تنها هسگری محمدیان در رشته کشتی توانست به فینال کشتی آزاد در وزن ۵۷ کیلوراه یابد.

محمدیان در دور نهای در مقابل بوگلازوف کشتی گیر شوروی با امتیاز باخت و به مدال نقره دست یافت. مدال محمدیان تنها امتیازی بود که در المپیک کسب شد و ایران در ردیف سی و نهم قرار گرفت. سایر کشتی گیران هلیرم تلاشها، به هلت مجموعه هواملی که بر اثر سیاست های ارتجاعی رژیم در هرصه ورزش موثر هستند، نتوانستند به نتایجی دست یابند. در رشته دوچرخه سواری، در پایان مسابقات که به مسافت ۱۹۶٫۸ کیلومتر با حضور ۱۰۴ دوچرخه سوار از کشورهای مختلف صورت گرفت. دوتن از سه نفر شرکت کننده تیم جمهوری اسلامی به ترتیب بعد از نفر پنجاه و پنجم و نود و دوم به پایان خطر رسیدند.

در آستانه آغاز بازیها، دولت کره جنوبی اعلام کرده بود که با تقاضای پناهندگی سیاسی ورزشکاران کشورهای شرکت کننده مخالفت خواهد کرد و سفارتخانه های کشورهای دیگر نیز مجاز به پذیرش متقاضیان نیستند. ◀

## وزیر کار از کارخانه داران خواست متشکل شوند

مسئولین صنعتی کشور بخواهید که مشکلات شما را حل کنند و انجام این کار می تواند با ایجاد یک تشکیلات صنعتی صورت بگیرد.»

در سمینار مذکور از سوی مدیر عامل ایران خودرو و اخراج و باز خرید اجباری کارگران به عنوان یک اقدام موفق به شرکت کنندگان یادآوری شد. مدیر عامل ایران خودرو توضیح داد که در سال ۶۴، از مجموع ۱۳ هزار ۵۰۰ نفر کارگر این واحد صنعتی، ۸ هزار کارگر مجبور به باز خرید شده اند و نیروی انسانی کارخانه حتی به کمتر از زمان انقلاب که ۹۵۰۰ نفر بوده، کاهش داده شده است.

سرحدی زاده وزیر کار جمهوری اسلامی معتقد است که مجموعه تلاشهای رژیم برای سرکوب کارگران کافی نیست و ضروری است که صاحبان صنایع نیز با ایجاد تشکیلات دولت را یاری کنند. وزیر کار که در «سمینار حفظ دستاوردهای صنعتی انقلاب در فرآیند بازسازی» سخنرانی داشت، پس از اینکه مدعی شد: «در حال حاضر کارگران ما با تشکیل خانه کارگر می توانند حرفشان را بزنند.» از کارخانه داران خواست: «شما هم اگر می خواهید کاری انجام دهید مهمترین مسئولیت شما این است که دولت راکه فرصت فکر کردن ندارد راهنمایی کنید و از

## عملیات پاکسازی خلیج فارس

در شمال خلیج فارس و بخشی از آبهای بین المللی منطقه صورت گرفت.

مرحله دوم عملیات مین یابی و مین روبی آبهای خلیج فارس از روز چهارشنبه هفته گذشته در بخش میانی خلیج آغاز شد. مرحله اول عملیات



## در ایران ۱۵ میلیون تن خارج از پوشش شبکه تلویزیونی قرار دارند

می دهند.»  
مدیر عامل صدا و سیما اظهار می کند که برای رفع کمبود بودجه «وزارت برنامه و بودجه و بانک مرکزی از صدا و سیما می خواهند تا از یوزانس و تجارت استفاده کنند... از طرفی رابطه تجارتی ما با ترکیه، بلغارستان و کشورهای بلوک شرق است، در صورتی که کالاهای مورد نیاز صدا و سیما باید از کشورهای بلوک غرب تامین گردد.»

طبق اظهارات مدیر عامل صدا و سیما، این سازمان برای تامین نیاز خود دو راه در پیش دارد: خرید تجارتی و یوزانس. از آنجا که منبع خرید کشورهای غربی است و آنها حاضر نیستند بدون دلار جنس در اختیار جمهوری اسلامی قرار دهند، بنابراین به روش یوزانس (خرید نسبه) باید رو کرد و نیاز ما را تامین نمود.

حدود ۱۵ میلیون نفر از جمعیت کشور خارج از پوشش شبکه تلویزیونی هستند و «صدا و سیما جمهوری اسلامی» به هلت کمبود بودجه برای مناطقی که تحت پوشش قرار دارند نیز تولیدی ندارد. مدیر عامل صدا و سیما در این زمینه در گفتگو با مطبوعات می گوید: «ما برای توسعه و تقویت ایستگاههای رادیویی و تلویزیونی نیاز به بودجه، طرح و نیروی انسانی داریم که به دلیل کمبود بودجه هم اکنون بعضی از طرحهای ما راکد مانده یا آهنگ توسعه آنها کهنه شده است.» وی می افزاید: «مشکلات ما از نظر تامین بودجه با وزارت برنامه و بودجه و کمیسیون تخصیص ارز است که آنها هر طریقی را از بعد اقتصادی محاسبه می کنند و جو فرسنگی آن را در نظر نمی گیرند. وزارت برنامه و بودجه و کمیسیون تخصیص ارز، بودجه مصوبه را در مواردی به یک دوازدهم یا حتی به صفر کاهش

نامه‌ای از  
یک جوان  
تبریزی

## «ای اوشاقلار، ای اوشاقلار»،



تاریک است، انگار زیرزمینه، آره، زیرزمینه... نور از طریق حیاط به شیشه‌های مات آن می‌خورد و کمی آتر روشن نگه داشته است. بچه‌ها بیایید بینیم اون پایین چه خبره؟ بچه‌ها بر روی آخرین پله زیرزمین ساکت و خاموش ایستاده، چهره‌شان سفید می‌شود. با چشمان خیره و مردمکهای بزرگ شده‌شان به چیزی در آن گوشه زیرزمین می‌نگرند، گوئی حادثه‌ای عجیب رخ داده است، برقی رهش بر اندام کوچکشان می‌اندازد. مردی با هیکل تنومند، که گردو خاک، اندامش را خاکستری نموده، در حالیکه لباس محلی آذری به تن دارد، آنجاست؛ سازی بردوش دارد، چهره‌اش گرفته و اندوهگین است. اما با وقار چشمانش را بر روی هم گذاشته، منکبوت با تارهایش در میان تارهای ساز به مهمانی نشسته است. بچه‌ها خیره، خیره، نگاه می‌کنند.

هاشق به آرامی چشمانش را باز می‌کند. اشک در چشمانش جمع شده، انگار هرگز نخوابیده است، می‌خواهد چیزی بگوید، اما بغض گلویش را گرفته، به آرامی تکان می‌خورد، قسمتی از گردو خاک لباسش فرو می‌ریزد، گوئی لباس راه‌راه زندانی به تن دارد، اشعه‌ای از نور خورشید از حیاط موزه خود را به زیرزمین می‌رساند، چهره مرد روشن می‌شود، نور در چشمانش انعکاس می‌یابد به بچه‌ها نگاه می‌کند، صورتشان آبی است، لبخند می‌زند. قطره اشکی از چشمانش فرو می‌ریزد و بر روی گونه‌هاش

تار می‌لغزاند و نغمه سر می‌دهد؛ آجیل سحر، اویان گونش، اویان گونش نفسده... صدا در شهر می‌پیچد، شهر به آرامی خمیازه می‌کشد، خواب طولانی را از خود دور می‌سازد، سعید صبح زود از خواب بیدار می‌شود، پدرش به کارگاه قالی‌بافی رفته است. مادرش که مدت‌تست سماور را روشن کرده ولی خود هنوز چرت می‌زند. سعید به حیاط رفته دست و صورتش را می‌شوید و خود را آماده می‌کند، تمام دیروز را در پارک ائل‌گولی (باغ ملت) مشغول بازی بود، امروز با دوستانش قرار است به موزه بروند، چند روزیست امتحانات تمام شده است، به استقبال تابستان می‌روند، سخت مشغولند تا خستگی این همه تلاش را از تنشان بیرون کنند.

بچه‌ها حاضر شدند، خورشید بر فراز آسمان آبی‌گونه‌های سرخ رنگشان را نوازش می‌دهد. سعید سرش را بطرف خورشید بلند می‌کند، می‌خواهد چهره خورشید را نظاره کند، نور شدید آن او را مجبور می‌سازد، دست‌ها را بر روی چهره بگیرد، از لابلای انگشتانش خورشید را می‌بیند که لبخند می‌زند.

بچه‌ها مدتی است به مجسمه تنه ستارخان خیره شده‌اند، به وسائل و ادوات جنگی‌اش می‌نگرند، بیاد ستارخان می‌افتند که می‌گفت: زین و برگم... مدتی است در موزه پرسه می‌زنند، حوصله‌شان سر رفته، یکی از آنها متوجه چیزی می‌شود، انگار آن پایین خبری است، خیلی

هوا گرگ و میش است. در آن سوی شهر، چشمان رشته‌کوه‌های مینالی و زینالی بسوی ائل‌گولی (باغ ملت) دوخته شده‌است، نسیم سحری آرامی برگ درختان را تکان می‌دهد، در بلندای تپه‌های ائل‌گولی، در میان بجار جاویدان آن، در لابلای درختان زیبا و همیشه سبز، در جوار استخر، همکل پرهیبت و جاویدان هاشیقلار (۱) را می‌بینیم، مزین به بهترین و زیباترین لباس محلی آذری، هاشق با چشمان باز در فراسوی سعید و سیلان، خورشید را فرامی‌خواند. خورشید لبخند زان باروی گشاده سرک می‌کشد و تیغ نگاهش بر روی لباس هاشق انعکاسی طلائی دارد. هاشق با پاهای استوار و گردن کشیده و نفس بلند ساز بر دوش گرفته، آن را همچون فرزند دل‌بندش در آغوش می‌فشارد، انگار می‌خواهد، صبح را، خورشید را، زندگی را به او بیاموزاند. اشعه نور بر روی سیمه‌های تار انعکاس رنگین کمان دارد.

هاشق باولع تمام نور خورشید را می‌بلعد، آرامی سر را بسوی شهر برمی‌گرداند. شهر در خواب است. اما اراک بیدار، ستارخان در آن سوی نگاه هاشق ندا می‌دهد: «یه‌میری هازرلاین، گنترین اوشاقلار»، ای اوشاقلار، ای اوشاقلار! زین و برگم را آماده کنید، تفنگم را بیاورید، ای فرزندانم، ای فرزندانم.

تبسمی به لب دوباره به خورشید می‌نگرد، اینبار به او سلام می‌دهد، نفس در سینه حبس می‌کند و انگشتانش را به آرامی به روی قلب

می‌لغزد. خاک روی صورتش را شیار می‌دهد و گلی می‌کند. از دور به این می‌ماند که آن مرد خون می‌گرید. مردی با لباس فرم بسیرت از پله‌ها پایین می‌آید. خطاب به بچه‌ها می‌گوید: شما اینجا چکار می‌کنید؟!

بچه‌ها به خود می‌آیند، بدون آنکه چشم از آن مرد بردارند از پله‌ها بالا می‌روند و از موزه بیرون می‌آیند، گنج و منگ راه می‌روند، هنوز چند قدمی از موزه دور نشده، با صدای محکم ساز هاشق که در فضا پراکنده می‌شود، می‌ایستند، سعید به آسمان می‌نگرد، آسمان آبی است، خورشید در بالای میدان ساعت به عقربه‌های آن می‌نگرد و لبخند می‌زند. دوباره صدای هاشق همراه کسی که می‌خواند:

## بازسازی ارتش با همکاری مستشاران خارجی

نازلی یارم، و صله‌چاتم، گیشدی میجران گونلارم می هاشقم من کوی دلبر وصل جانان ایسترم - وصل جانان، درد هجران، زلفی ریحان قلبی ویران، دل پریشان گونلارم...

۹ شهریور ۱۳۶۷

تبریزی

۱- مجسمه هاشیقلار قبل از در باغ ملت (ئل‌گولی) بود بعد به موزه منتقل شد و از قرار امروز دیگر در گوشه‌ای دور انداخته شده است.

روزنامه پولیتیکا چاپ بوئنوس آیرس، در حال حاضر شماری از افسران عالی‌رتبه ارتش آرژانتین با سمت مشاور نظامی در شهرهای اهواز، دزفول، باختران، مهران، سردشت و... مشغول بازسازی ارگانهای مسلح جمهوری اسلامی هستند.

اولویت بازسازی ارتش روز دو شنبه هفته گذشته در نامه کتبی خمینی به هیات بازسازی مورد تاکید قرار گرفت و اعلام داشت که توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید خللی بر اولویت تقویت بنیه نظامی وارد کند خمینی یادآور شد که بر امور نظارت دارد و از آنچه که انجام می‌شود مطلع است و شخصیت‌های «رده بالا» مورد اعتماد او هستند.

سرتیپ جلالی وزیر دفاع در گفتگویی که روز چهارشنبه ۳۰ شهریور در تهران ترتیب یافت، بخشی از برنامه بازسازی ارتش را تشریح کرد. وزیر دفاع به خبرنگاران گفت که «بازسازی نیروهای مسلح از اولویت بسیار بالایی برخوردارند و ارتش و سپاه باید تقویت شوند. جلالی در زمینه استفاده از مستشاران نظامی خارجی برای بازسازی ارتش اظهار داشت که «استفاده از کارشناس به‌معنایی که در قبل بود، ممنوع است اما استفاده از تجربیات و علم و آنچه به دست آورده‌اند را کسی منع نکرده و ممکن است از آنها استفاده کنیم.»

احتمال بکارگیری مستشاران نظامی خارجی برای بازسازی هم‌اکنون تحقق یافته و بنا به نوشته

## جشن اومانیته جشن آزادی و سوسیالیسم



صلح طلبی و عدالت پژوهی مردم ما به گوش بشریت مترقی داشته باشند، از همل اساسی استقبال کم نظیر فرانسویان و نیز ایرانیان متحیم پاریس از فرقه بود.

در جشن اومانیته "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران نیز حضور داشت. در فرقه نامه مردم، بازدید کنندگان از جنایات رژیم خمینی آگاه شده و به همبستگی با مردم ایران فراخوانده می شدند. در جشن اومانیته از میان دیگر نشریات ایرانی، نشریه "کوردستان" نیز حضور داشت.

بقیه از صفحه آخر

اجرای کنگره ملی آفریقا و با خواست آزادی ماندلا و در همبستگی با مبارزه مردم آفریقای جنوبی علیه آپارتاید ترتیب داد، همه و همه شور نبرد برای زندگی بهتر و انسانی تر را در مردم برمی انگیزخت.

در دهکده کتاب، بیش از ۳۰۰ نفر از نویسندگان و شاعران مشهور و دهها موسسه انتشاراتی فرانسه حضور داشتند که ضمن معرفی و فروش کتابهای خود به بحث و تبادل افکار با خوانندگان خود در زمینه های مختلف می پرداختند.

ابونمان روزنامه "اومانیته" و هفته نامه "اومانیته دیماناش" تا حد ۲۰ هزار نسخه بیانگر موفقیت چشمگیر جشن اومانیته بودند.

فروش نزدیک به ۶۵۰ هزار بلیط ورودی به جشن، تقاضای حدود ۱۱ هزار نفر برای عضویت در حزب کمونیست فرانسه و جنبش جوانان کمونیست، افزایش

## «بازسازی»، عرصه نوینی برای غارتگری

برای پیشبرد امر بازسازی از مشارکت بیشتر بخش خصوصی، استفاده از منابع داخلی و خارجی، بهره گیری از متخصصین ایرانی و غیر ایرانی، گرفتن وام از کشورهای خارجی در اجرای "پروژه های خاص" ... سخن می گویند. علیرقم آنکه موضعگیری آنها در این زمینه حاکی از اختلافات مهینی است. اختلافاتی که منجر به ارسال نامه برای خمینی و استفتا از او می شوند - یک چیز مشترک است و آن همگنری و همگراد مشترک آنها در حفظ نظام جمهوری اسلامی است که در خدمت "تجار محترم" و کلان سرمایه داران قرار دارد. براین اساس طرحهایی که از سوی آنها برای بازسازی ارائه می شوند، نمی توانند خارج از چارچوب حفظ نظام و تحکیم مناسبات سرمایه داری وابسته در ایران باشند.

کیفیت مناسبات اقتصادی و سیاسی رژیم در عرصه بازسازی، که به "تقویت بنیه دفاعی" در آنها از رحیت داده شده، جز وابستگی بیشتر و همپیوندی مستحکم سرمایه داخلی و سرمایه بین المللی پیامدی دیگری بیار نخواهد آورد. فقر و فلاکت بیشتر محصول ناگزیر این روند خواهند بود.

جدید اعلام کرد.

سایر مقامات طراز اول رژیم نیز با تاکید بر این که جنگ تمام نشده و "توطئه های دشمنان" ادامه دارد، می کوشند زمینه را برای اختصاص بودجه های کلان به هزینه های نظامی فراهم کنند و براین اساس و همچنین با آگاهی از ناتوانی رژیم برای بازسازی اقتصادی منطبق با منافع واقعی مردم، آنها را به آینده های دور حواله دهند. از جمله رفسنجانی اخیرا در دیدار با جمعی از اعضای شوراهای مرکزی انجمن ها و شوراهای مرکزی کارخانجات کشور گفت: "منور مشخص نیست که ما می توانیم در آینده نزدیک وارد یک تحول جدی سازندگی بشویم. منور برای من ... خیلی قطعی نیست که جنگ تمام شده است، ما در فکر بازسازی هستیم اما یک حالت تثبیت شده ای وجود ندارد". (کیهان سوم مهر ۶۷).

سمت اصلی حرکت رژیم در امر بازسازی توسعه روابط با کشورهای امپریالیستی است. طی ماههای پس از پذیرش آتش بس دیدارها و مذاکرات متعددی در کادر سیاست خارجی حکومت انجام گرفته اند که بر وشنی سمت رژیم در این عرصه رانشان می دهند.

زمامداران جمهوری اسلامی

خمینی و رهبران طراز اول رژیم در فاصله کوتاهی پس از نوشیدن جام زهرآلود پذیرش قطعنامه ۵۹۸، بیرق "بازسازی" را علم کرده اند. اکنون مدتی است که در صفحات اول اقلب شماره های روزنامه های دولتی، واژه بازسازی به چشم می خورد. همه آنها از بازسازی می گویند. در این زمینه چنان تبلیغات پرسر و صدایی به راه انداخته اند که اگر کسی از ماهیت آنها و شیوه های تبلیغی شان بی خبر باشد، تصور می کند که حضرات می توانند "فنی ترین و سالم ترین کشور در منطقه" را بسازند. حال آنکه در عمل بحث بر سر چگونگی تدویم و تحکیم مناسبات فارتگرانه حاکم بر جامعه در پرتو بازسازی است.

هفته گذشته رئیس مجلس، رئیس جمهور، نخست وزیر و رئیس شورای عالی قضایی رژیم در نامه ای به خمینی خواستار اعلام نظر وی در مورد چگونگی بازسازی ویرانی های جنگ شدند. وی در پاسخ به نامه آنها ضمن اشاره به اینکه جمهوری اسلامی "منور یا آمریکا و شوروی" در حال جنگ است و این جنگ ادامه پیدا خواهد کرد، بر الویت "مسئله دفاع" در بازسازی تاکید کرد. او در حقیقت بار دیگر آرزوی خود را در ادامه سیاستهای نظامی گرائه در شرایط

باله - تئاتر با شکوه "فرزندان میهن" تحسین همگان را برانگیخت. خالق این باله - تئاتر که بر اساس وقایع انقلاب کبیر فرانسه تنظیم شده بود، ایوان مارکو هنرمند بزرگ مجارستان است و در مجموع ۹۹ بازیگر اجرای آنرا برهمه داشتند.

شهرک بین المللی جشن نیز با گردهم آوردن احزاب کمونیست و جنبش های انقلابی از ۹۰ کشور جهان، محل ابراز پرشورترین همبستگی ها با مبارزه متنوع ولی هم جهت مردم گیتی برای ساختن جهانی هاری از سلاح و هاری از فقر بود.

فرقه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - نیز شاهد ابراز همبستگی بازدید کنندگان با پیکار برای دموکراسی در ایران و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بود. بازدید کنندگان از فرقه "کار" از طریق گفت و شنود با مسئولین فرقه، خواندن اعلامیه ها و شعارهایی که در فرقه به چشم می خوردند و با امضای متن اعتراض به اهدام زندانیان سیاسی در ایران و ... بر این باور راسخ تر شدند که برقراری آتش بس برای خمینی و همدستانش زهرآکین و کشنده بود. اما برای مردم ایران از هر شمعی شیرین تر بود.

بی شک زحمات و تلاش فدائیان خلق در فرانسه برای آنکه از طریق فرقه "کار" سهم شایسته ای در رساندن فریاد آزادی خواهی،

شاعری از کردستان

شیرکوبی که بس

شیرکوبی که بس (بیکس)  
شاعری از سرزمین کردستان است که ۴۸ سال پیش در شهر سلیمانیه عراق به دنیا آمد. مبارزات وی در راه آرمانهای ترقیخواهانه و رهایی خلق کرد از قید ستم ملی از همان دوران نوجوانی آغاز گردید. در سال ۱۹۶۵ (زمان حکومت عبدالرحمان هارث) تحت پیگرد قرار گرفت. در آن زمان بیکس به صفوف پیشمرگان پیوست. در سال ۱۹۷۵ رژیم دیکتاتوری صدام حسین او را به تبعید به رمادیه و بغداد فرستاد. ایام تبعید سه سال

به درازا کشید. رهاورد او از این سالها به مثابه یک شاعر، مجموعه اشعار "کشکول پیشمرگه" بوده است. در سال ۸۶ به اروپا مهاجرت کرد یکسال بعد برنده جایزه ادبی توخولسکی گردید. این جایزه به شعرا و نویسندگان تبعیدی تعلق می‌گیرد. گزیده اشعار بیکس تاکنون به زبانهای متعددی از جمله ایتالیایی، آلمانی، فرانسوی، سوئدی و نروژی ترجمه شده است. در زیر دو سروده کوتاه از بیکس را می‌خوانید.

جودایی

شکهر له‌ناو شیخره کانما  
کول ده راپیژنه ده ره وه  
له چوار وه رز وه رزیکم شه مرئ  
شکهر یار پیئنه ده ره وه  
دووایم شه مرن  
شکهر نان بیئنه ده ره وه  
سیانم شه مرن  
کهر ئازادی بیئنه ده رئ  
سالم شه مرئ و  
خویشم شه مرر !

جدایی

اگر از درون شعرهایم  
گل را حذف کنند  
فصلی از چهار فصلم می‌میرد.  
اگر یار را بیرون کشند  
دومین فصل  
اگر نان را بردارند  
سومین فصل.  
اما، اگر آزادی را حذف کنند  
سالیانم می‌میرد  
و خودم هم خواهم مرد.

کور

بره  
پس از انفجاری  
از پس گذر هواپیما  
دهانش بسته شد  
نه بیستان مادر را یانت  
و نه گله را  
و نه کرانه آب را

کویر

به‌رخولته که.  
دوای گرمه‌یه که  
دوای رویشنتی فرۆکه‌که  
ده‌می گیرا :  
نه گوانی بو بینرایه‌وه و  
نه رانی بو دۆزرایه‌وه و  
نه چوویشه‌وه سه‌ر ئاوه‌که !

تنگ بارنگ پاک نمی‌شود

عظیم ۲۰ متر در ۵ متری، تا چند روز مایه تفریح مردمی بود که با اتوبوس یا وسیله نقلیه شخصی از کنار آن می‌گذشتند. شاعر، آنقدر بزرگ بود که برای پاک کردنش ناچار شدند داربست بزنند. ماجرای پاک کردن شعارها، سوژه خوبی به دست مردم داده و موضوع لطیفه‌هاست. از جمله، می‌گویند منتظری برای کم کردن فشار کار شعار پاک کن‌ها یک طرح ابتکاری ارائه داده است. طرح این است که به جای رنگ زدن و گچ‌مالی شعارها، شابلونی درست کنند و بالای هر شعار "نامطلوب" بزنند. جمله‌ای که باید شابلون کنند این است: "همی نگویید که...". وقتی این سه کلمه بالای یک شعار بیاید، متضاد از پاک کردن شعار خودبه‌خود حاصل می‌شود، مثلاً: "همی نگویید که صلح اسلام با کفر معنی ندارد". "همی نگویید که صلح تحصیلی بدتر از جنگ تحصیلی است". "همی نگویید که اسلام پیروز است". و...

در این مدتی که از تحمیل و تطعنانه ۵۹۸ به خمینی گذشته و در میان مردم به "بهداز تطعنانه" مشهور شده است، یکی از مشغله‌های ماموران ارگانه‌های تبلیغاتی رژیم، پاک کردن درو دیوار از شعارهای خاص دوره جنگ است. شعارهایی مثل "اگر این جنگ ۲۰ سال دیگر هم طول بکشد ما ایستاده‌ایم"، "صلح اسلام با کفر معنی ندارد" و "صلح تحصیلی بدتر از جنگ تحصیلی است"، که اغلب هم اسم خمینی زیر آنها به چشم می‌خورد، آنقدر باهت آبروریزی است که دستور پاک کردن هرچه سریع‌تر آنها صادر شده است. بعضی از این شعارها آنقدر بزرگ نوشته شده‌اند که پاک کردنشان هم تقریباً به همان اندازه نوشتنشان وقت می‌برد. بعنوان نمونه، گچ‌مالی روی این گفته خمینی که "صلح اسلام با کفر معنی ندارد" در بزرگراه مدرس تهران، چندین روز به طول انجامید. عملیات پاک کردن این شعار

دو مارتن المپیک با حضور ۱۳۵ هزار تن

بدون تماشاگر برگزار شد!

مانع تجمع مردم در طول مسیر و تبدیل این تجمع به تظاهرات گسترده ضد دولتی گردد. برخی رسانه‌های خبری تعداد پلیس، پلیس مخفی و سربازی را که در این عملیات شرکت داشتند تا ۱۳۵ هزار تن برآورد کردند! البته دو مارتن تنها رشته‌ای نبود که در شرایط کنترل ویژه پلیسی برگزار گردید اما کثرت نگرانی‌های سرکوب در مسیر دو مارتن (بخاطر طول مسیر) بی‌اهمیت بود.

دو مارتن المپیک سئول در شرایطی بکلی غیرعادی برگزار شد. دوندگان مارتن در تمام مسیر ۴۲ کیلومتری با هیچ تماشاگر و تشویق‌کننده‌ای روبرو نشدند. زیرا همه این مسیر طولانی و مناطق حاشیه آن توسط نیروهای نظامی و انتظامی اشغال شده بود تا مردم سئول نتوانند در طول مسیر گرد آیند. رژیم سئول مطمئن بود که بدون این لشکرکشی ویژه نخواهد توانست

نباید قراموش شود

همین ماه گذشته بود که ارتش کشور آفریقای برونودی طی یک عملیات هولناک ۲۶۰۰۰ تن از مردم این کشور را به قتل رساند. رسانه‌های خبری می‌روند که این فاجعه مخوف را به فراموشی بسپارند، اما هنوز خون آن همه‌کشته شسته نشده است، هنوز هلنزارها و جنگل‌ها از جنازه‌ها پاک نشده‌اند. هکس، جنازه تازه یافته‌ای را نشان می‌دهد که در زیر خاک و خاشاک مدفون می‌کنند.



## در آستانه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده

### نقش نهاد ریاست جمهوری

## در نظام حکومتی آمریکا

در ماه نوامبر سال جاری، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برگزار خواهد شد. رقابت اصلی، میان جرج بوش معاون رئیس جمهور فعلی و کاندیدای حزب جمهوری خواه از یک سو، و مایکل دوکاکیس فرماندار ایالت ماساچوست و کاندیدای حزب دمکرات از سوی دیگر است. برای آشنایی بیشتر با نظام حکومتی ایالات متحده و نقش نهاد ریاست جمهوری در آن، در این شماره ترجمه خلاصه‌ای از فصل ششم کتاب "نظام حکومتی آمریکا" به قلم چند دانشمند آلمانی دمکراتیک را چاپ می‌کنیم.

\*\*\*

در ماه نوامبر سال جاری، انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برگزار خواهد شد. رقابت اصلی، میان جرج بوش معاون رئیس جمهور فعلی و کاندیدای حزب جمهوری خواه از یک سو، و مایکل دوکاکیس فرماندار ایالت ماساچوست و کاندیدای حزب دمکرات از سوی دیگر است. برای آشنایی بیشتر با نظام حکومتی ایالات متحده و نقش نهاد ریاست جمهوری در آن، در این شماره ترجمه خلاصه‌ای از فصل ششم کتاب "نظام حکومتی آمریکا" به قلم چند دانشمند آلمانی دمکراتیک را چاپ می‌کنیم.

مکانیزم دولتی مرکزی در ایالات متحده، تحت تاثیر تعیین کننده اختیارات نهاد ریاست جمهوری، کنگره و دیوان عالی کشور و نیز رابطه متقابل میان این سه قرار دارد. این واقعیت که این سه قوه همکاری تنگاتنگی با سرمایه انحصاری، اتحادیه‌ها و موسسات سیاسی آن دارند، ماهیت طبقاتی نظام حکومتی را معین می‌کند و بر ساختارها و جهات رشد نظام حکومتی نیز تاثیر می‌گذارد...

در آمریکا، در هم آمیزی قدرت انحصارات و قدرت دولت بسیار زود و بسیار سریع روی داد. امکان این امر به ویژه از آن رو فراهم آمد که در آمریکا انحصارات تقریباً از ۱۸۷۰ به بعد بر بخشهایی از اقتصاد تسلط یافتند و نظام دو حزبی، نفوذ نمایندگان سرمایه بزرگ در دستگاه دولتی را فوق العاده تسهیل کرد. ریشه‌های این امر را باید در ضعف جنبش کارگری، فقدان یک حزب کارگری دارای فعالیت پارلمانی و نیز در این نکته دید که مراکز سندیگایی پس از پایان جنگ جهانی دوم همدتا دنباله‌رو منافع سرمایه انحصاری شدند.

در جریان تحول دولت در قرن بیستم، مکانیزم دولتی مرکزی دچار دگرگونی کینی شد. به همان میزانی که دولت فدرال به سود انحصارات و برای حفظ مناسبات قدرت بطور فزاینده‌ای در روندهای اقتصادی و اجتماعی دخالت می‌کرد، شمار هرچه بیشتری موسسات دولتی به وجود آمدند. تعداد پرسنل ارگانهای فدرال در سال مالی ۱۹۸۶-۸۷ به حدود ۱۰ برابر رقم سال ۱۹۰۰ بالغ شد و به ۲/۹ میلیون نفر رسید. در همین فاصله، میلیتاریزه شدن همه جانبه فعالیت دولت جریان یافت و هزینه‌های دولت از ۵۰۰ میلیون دلار به ۹۹۵ میلیارد دلار رسید.

قدرت انحصارات در نظام سیاسی آمریکا به طرق مختلف و گاه بطور بسیار ناخوش نمود

می‌یابد. انحصارات، از انتخابات بعنوان "سرمایه‌گذاری در سیاست" استفاده می‌کنند و مناسبات تنگاتنگی با بخشهای مختلف دفتر اجرایی رئیس جمهور و وزارتخانه‌ها دارند...

نمایندگان سرمایه انحصاری در موارد زیادی خود همده دار مقامات دولتی اند. اینان به مقیاس وسیع نمایندگان خود را وارد کنگره می‌کنند یا به مقامات مهم حکومتی منصوب می‌کنند. در کمتر دولت سرمایه‌داری انحصاری چنین مبادله پرسنلی گسترده‌ای میان دستگاه دولت و مدیریت انحصارات بزرگ در جریان است.

بدون تردید رئیس جمهور و نهاد ریاست جمهوری در آمریکا به مرکز اعمال قدرت تبدیل شده است. در این میان موقعیت حقوقی رئیس جمهور که در قانون اساسی ۱۷۸۷ تثبیت شده است، نقش مهمی ایفا می‌کند. اختیارات رئیس جمهور (به مثابه رئیس کشور، رئیس قوه مجریه، رئیس دولت فدرال، فرمانده کل نیروی زمینی و نیروی دریایی، ارائه‌کننده گزارش سالانه تحت عنوان "در باره وضع کشور" و دارنده حق وتوی همه قوانین) و گسترش آن، محور تمرکز و تراکم قدرت دولتی در ایالات متحده است.

در آمریکا رئیس جمهور هم کارکرد رئیس جمهور و هم کارکرد نخست وزیر را دارد. قوه مجریه کاملاً تحت فرمان او است. بند اول اصل دوم قانون اساسی ایالات متحده می‌گوید: "قوه مجریه به رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا محول می‌شود". رئیس جمهور آمریکا در واقع امر در برابر سنا و مجلس نمایندگان مسئول نیست. هیچ قانونی وجود ندارد که به موجب آن نمایندگان کنگره بتوانند رئیس جمهور را وادار به حضور در کنگره کنند. وزرا و کارکنان تعیین کننده دستگاه اجرایی تنها توسط رئیس جمهور منصوب می‌شوند. رئیس جمهور می‌تواند آنها را هر لحظه عزل کند. همه این مقامات باید از دستور رئیس جمهور پیروی کنند. نظام دو حزبی موجود، وابستگی مالی کاندیداهای ریاست جمهوری به شرکتی بزرگ و قانون انتخابات بگونه‌ای مطمئن تضمین می‌کنند که در راس قوه مجریه همواره یک سیاستمدار سرسپرده منافع انحصارات قرار گیرد. در همین حال، ساختار احزاب نیز چنان است که سیاست رئیس جمهور نه توسط شورای ملی حزب و نه از سوی طرفداران حزب قابل کنترل نیست.

اختیارات بی نظیری که رئیس جمهور آمریکا

دارد، پدیده نوینی نیست. مارک تواین نویسنده آمریکایی در دوره گذار از سرمایه‌داری مابیل امپریالیستی به امپریالیسم نوشت: "پادشاه ما قدرتمندتر، مستبدتر و خودرایی‌تر از هر پادشاه اروپاست. بر فرامین او که از کاخ سفید صادر می‌شوند، نه قوانین و نه سنت‌ها قادر نیستند لگام بزنند. او می‌تواند زمام امور کنگره را در دست بگیرد... او می‌تواند دیوان عالی کشور را از طرفداران خود پر کند". آنچه برای همه بعداً افزوده شد، حجم و وظایف دولتی محوله به رئیس جمهور و ایجاد دستگاه تحت فرمان او است.

نهاد ریاست جمهوری آمریکا که تا حدود زیادی مستقل از پارلمان و دارای حقوق بسیاری است، در گذار به سرمایه‌داری انحصاری دولتی کارایی خود را برای گسترش اساسی قدرت قوه مجریه نشان داد. دستگاه اجرایی مرکزی دولت آمریکا که امروز حدود ۲٫۹ میلیون غیر نظامی در استخدام آتند که سالانه حدود ۱۰۰ میلیارد دلار حقوق می‌گیرند، و رئیس جمهور و مشاورین، وزارتخانه‌ها، ادارات و کمیته‌های فدرال در راس آن قرار دارند، تعیین کننده سیاست دولت، بودجه فدرال و

تاجد زیادی نیز قوانین است. در این میان به اصطلاح "دولت نامرئی" که در دهه‌های اخیر بوجود آمده است، نقش تعیین کننده‌ای دارد. منظور، گروه مشاوران سیاسی رئیس جمهور، شورای امنیت ملی، دستگاه مرکزی هدایت اقتصاد، دستگاه پنتاگون که پیوند تنگاتنگی با انحصارات تسلیحاتی دارد، و نیز نظام سرویس‌های مخفی است که به میزان زیادی تجسم زوال دمکراسی بورژوازی در ایالات متحده است. در دوره ریاست جمهوری ریگان، اتحاد میان این "دولت نامرئی" و دفتر رئیس جمهوری بسیار تنگ تر شد.

"دفتر اجرایی رئیس جمهور" که در سال ۱۹۳۹ ایجاد شد، و به ویژه گروه همکاران شخص رئیس جمهور، در دهه‌های اخیر به مرکز قدرت نظام حکومتی آمریکا تبدیل شد. امروز رئیس جمهور ایالات متحده این حق را برای خود محفوظ می‌داند که سیاست خارجی را تعیین کند. به ویژه در رابطه با عقد قراردادهای بین‌المللی و جنگ‌های تجاوزکارانه ایالات متحده در قرن بیستم، اختیارات ریاست جمهوری تا حد زیادی افزایش یافت.

همه‌ا رئیس جمهور است که سیاست خارجی را



متحدہ است. وی در نطق‌هایی که در سراسر کشور مورد توجه قرار می‌گیرد، درباره همه رویدادها و مسائل مهم سیاست داخلی و خارجی موضعگیری می‌کند.

برخلاف تقریباً همه کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری که در آنها رادیو و تلویزیون یا نظیر فرانسه موسسات دولتی اند و یا تحت نفوذ مستقیم دولتها و رهبری احزاب قرار دارند، در آمریکا نه تنها نشریات روزانه و هفتگی، بلکه رادیو و تلویزیون نیز در اختیار انحصارات خصوصی یا موسسات کلیسایی است. از این رو فعالیت آنها بگونه‌ای فاحش از اصل کسب سود بیشتر پیروی می‌کند. اما این امر نافی هماهنگی سیاسی با دستگاه حکومتی و نفوذ حکومت بر برنامه‌های سیاسی نیست، بلکه تنها به معنای یک نظام ویژه از تاثیرگذاری مستقیم و غیر مستقیم است. در برنامه‌های سیاسی، جای زیادی به تبلیغ برای سیاست حکومت اختصاص می‌یابد.

وظیفه اصلی دستگاه دولتی القای ایدئولوژیک، که بانهاد ریاست جمهوری پیوند تنگاتنگی دارد، این است که اهداف سیاست داخلی و خارجی دولت را به لحاظ ایدئولوژیک توجیه کند، رسانه‌های گروهی را به سمت حمایت از سیاست حکومت هدایت کند و گروه‌های بزرگی از مردم را برای تحقق آن بسیج نماید. در این میان، بخش مطبوعات کاخ سفید و وزارتخانه‌های مهم، به ویژه وزارت دفاع و وزارت خارجه، نقش مهمی ایفا می‌کنند. در این مراکز، نمایندگان خبرگزاریها، روزنامه‌ها و مجلات و نیز ایستگاه‌های رادیو تلویزیونی "رهنمود" دریافت می‌کنند (این "رهنمودها" تا حد "توصیه‌ها" برای استفاده از کلمات و عبارات و واحد در مورد اهداف سیاست حکومت نیز هست).

امروز رئیس‌جمهور آمریکا نه تنها رئیس توه مجریه، بلکه رئیس توه مقننه نیز هست. برنامه‌ریزی بودجه دولت تا حد زیادی در دست او است. طبق قانون اساسی آمریکا، رئیس‌جمهور حتی حق ارائه لوایح قانونی را هم ندارد. اما در دو دهه اخیر تقریباً ۸۰ درصد قوانین مهم در وهله اول توسط مشاوران رئیس‌جمهور یا وزارتخانه‌ها تدوین شده‌اند. این لوایح از طریق نمایندگان، سناتورها، روسای کمیسیون‌های کنگره یا رئیس فراسیون حزب رئیس‌جمهور در کنگره، به پارلمان ارائه شده‌اند. حق وتوی رئیس‌جمهور علیه قوانین مصوب کنگره، گماکان ابزار نیرومند تاثیرگذاری او بر

طرح و فرمولبندی آنها اغلب در دست انحصارات تسلیحاتی و دستگاه اجرایی است که با این انحصارات پیوند تنگاتنگی دارد. این برنامه‌ها در شورای امنیت محلی که تحت ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود، بطور نهایی تدوین می‌شود. پس از موافقت رئیس‌جمهور، بیش از ۳۰۰ کارمند پنتاگون سرگرم این کار می‌شوند که این برنامه‌ها را به تایید کنگره برسانند.

یک مشخصه مهم نهاد ریاست جمهوری در آمریکا، اختیار فرماندهی یک دستگاه مرکزی نیرومند سرکوب است. رئیس‌جمهور آمریکا در راس نیرومندترین و به لحاظ سیاسی پر نفوذترین دستگاه جاسوسی - پلیسی جهان سرمایه‌داری قرار دارد. یازده سرویس مخفی نظامی و غیرنظامی آمریکا در آغاز دهه ۸۰ مجموعاً ۳۰۰ هزار مأمور تمام وقت و بودجه سالانه‌ای بالغ بر بیش از ۲۲ میلیارد دلار داشتند. سرویس‌های مخفی، چیزی از آن "دولت نامرئی" را در ایالات متحده تشکیل می‌دهند که در پیوند تنگاتنگ با نهاد ریاست جمهوری، عملاً در خارج از دسترس و کنترل پارلمان قرار دارد. در هرصه سیاست خارجی، این سرویس‌ها می‌کوشند تناسب قوای بین‌المللی را با کمک توطئه‌ها، کودتاها، اعمال قهر و قتل و کشتار به سود امپریالیسم تغییر دهند. در داخل کشور، وظیفه آنها کنترل جنبش‌های دمکراتیک و در صورت لزوم، سرکوب آنها به کمک توه تهریه نظامی و پلیسی است.

هسته مرکزی دستگاه مراقبت و امنیت مرکزی و داخلی دولت آمریکا را "اداره بازرسی فدرال (اف بی آی)" تشکیل می‌دهد که در سال ۱۹۰۸ تاسیس شد. در دهه ۳۰ این ارگان حدود ۲۰۰ کارمند تمام وقت داشت. این رقم در سال ۱۹۶۰ به ۱۳۰۰ و در سال ۱۹۷۱ به ۱۹۶۲۸ رسیده بود. رئیس‌جمهور می‌تواند بر لحظه به اف بی آی دستور دهد. فعالیت اف بی آی شامل عملیات جاسوسی علیه احزاب، سازمانها و شخصیت‌هایی است که برای حقوق دمکراتیک و صلح مبارزه می‌کنند.

در سال ۱۹۴۷، "آژانس مرکزی اطلاعاتی" (سیا) به مثابه سازمان فراگیر سرویس‌های جاسوسی آمریکا ایجاد شد. این سازمان در حدود ۱۸ هزار مأمور و بودجه سالانه‌ای بالغ بر ۱/۸ میلیارد دلار دارد. با اینکه قانون فعالیت سیا در خاک ایالات متحده ممنوع کرده است، سیا تا بحال چند بار توسط رئیس‌جمهور جنبش‌های دمکراتیک در ایالات متحده به کار گرفته شده است.

رئیس‌جمهور آمریکا بر مبنای اختیارات تام خود، در دوره‌بصرانه‌های حاد سیاسی تقریباً به حاکم بلامنازمی تبدیل می‌شود که در اعمال قوای فوق‌العاده حکومتی، نه تحت کنترل توه مقننه است و نه باید به توه قضائیه پاسخگو باشد. نهاد ریاست جمهوری در آمریکا کارکرد ایدئولوژیک معینی دارد. خود رئیس‌جمهور در نظام القای ایدئولوژیک، وظایف مهمی بر عهده دارد. از این گذشته وی به‌عنوان رئیس توه مجریه تعدادی موسسات نظریه‌پرداز و هدایت‌گر ایدئولوژیک در اختیار دارد. رئیس‌جمهور، محترم‌ترین شخصیت سمبلیک سیاست ایالات

نیز تعیین می‌کند. تنها مأموران او هستند که مذاکرات را انجام می‌دهند و قراردادهای بین‌المللی را امضا می‌کنند. رسم شده است که اکثریت موافقت نامه‌های بین‌المللی که عملاً حکم قرارداد را دارند، تحت عنوان "موافقت نامه‌های اجرایی" منعقد می‌شوند تا نیازمند تایید مجلس سنا نباشند (طبق قانون، هر "قرارداد خارجی" باید به تایید دو سوم نمایندگان سنا برسد). در حالی که در سال ۱۹۳۰، ۲۵ قرارداد و ۹ "موافقت نامه اجرایی" توسط آمریکا به امضا رسید، در سال ۱۹۷۳ شمار قراردادهای ۱۷ و تعداد "موافقت نامه‌های اجرایی" ۲۱۴ بود.

با گذار سرمایه‌داری به مرحله امپریالیستی خود و در این رابطه، افزایش تجاوزکاری امپریالیسم آمریکا، رئیس‌جمهور بطور هرچه هلنی‌ترین حق را برای خود محفوظ دانسته است که بدون کسب اجازه از کنگره دست به آغاز درگیری‌های مسلحانه بزند. در سال ۱۹۰۴، تودور روزولت دستور اشغال منطقه کانال پاناما را صادر کرد و کنگره را در برابر عمل انجام شده قرار داد. وودرو ویلسون نیز در سال ۱۹۱۸ بدون موافقت کنگره، نیروهای آمریکایی را به شمال روسیه و سیبری فرستاد. ماری ترومن در سال ۱۹۵۰ جنگ کره را بدون نظرخواهی از کنگره آغاز کرد. تجاوز ایالات متحده به هندوچین، که در طول آن ایالات متحده صدها هزار سرباز و ۱۰۰ میلیارد دلار اسلحه به کار گرفت، گرچه عملاً مورد حمایت کنگره بود، اما رسماً در کنگره تصویب نشد. آمریکا در مجموع ۱۵۰ بار درگیر جنگ شده است، اما کنگره تنها در پنج مورد اعلان جنگ داده است (جنگ ۱۸۱۲، جنگ با مکزیک، جنگ اسپانیا و آمریکا، جنگ جهانی اول و دوم).

فرماندهان نیروهای مسلح ۲۲ میلیون نفری آمریکا و نیز یک میلیون کارمند غیرنظامی پنتاگون از رئیس‌جمهور دستور می‌گیرند. در حدود ۱۵۰ هزار کارمند وزارت دفاع آمریکا سالانه تنها و تنها به این کار اشتغال دارند که ۲۰۰ هزار قرارداد با ۲۰ هزار طرف معامله از میان سازندگان تسلیحات به امضا برسانند، و در حدود ۴۰ هزار تن از کارمندان پنتاگون به کار توزیع سفارهای تسلیحاتی مشغولند.

در نخستین حکومت‌های پس از جنگ، نیروهای وابسته به مجتمع نظامی - صنعتی از طریق احراز سمت‌هایی مانند مدیر بخش و معاون وزیر در چند وزارتخانه دیگر به فیراز پنتاگون و به ویژه شورای امنیت ملی حضور داشتند. از هنگام انتخاب ریگان به رئیس‌جمهوری در سال ۱۹۸۰ نفوذ سیاسی آنها در نهاد ریاست جمهوری به کیفیت نوینی ارتقایافت. اکنون رئیس‌جمهور، مشاوران عمده او و وزیر خارجه از این زمره‌اند. مجتمع نظامی - صنعتی، بی‌انگرم اهمیت ضدخلقی و تجاوزکارانه دولت امپریالیستی است. این مجتمع، کل فعالیت موسسات دولتی مرکزی را تحت کنترل خود دارد و بطور فزاینده‌ای کل سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده را تعیین میکند. همه برنامه‌های تسلیحاتی باید به تصویب کنگره برسد. اما ابتکار



قانونگذاری است. ریگان در دوره اول ریاست جمهوری خود از ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴، ۳۹ بار از این حق‌وتو استفاده کرد.

## انتخاب گارباچف

## به عنوان ...

بقیه از صفحه آخر  
سیاست خارجی شوروی نیز فعالیت شورایی عالی افزایش یابد. در این رابطه میخائیل گارباچف خاطر نشان کرد روند اوضاع بین المللی متوجه محور خطر ناجعه هسته‌ای، هادی سازی مناسبات بین المللی، برقراری روابط برابر و متقابل سودمند میان دولت‌ها و ملت‌های جهان، همکاری فراگیر در عرصه‌های مختلف و تامین حق هر خلق در انتخاب آزادانه سرنوشت خود است. رهبر شوروی افزود مردم شوروی از این روند به گرمی استقبال می‌کنند و تاکید کردند مزبور مورد حمایت کشورهای سوسیالیستی و استقبال هر چه بیشتر از سوی محافل جهانی است. گارباچف گفت نخستین ثمرات روند فوق‌الذکر هم اکنون دیده می‌شود. رهبر شوروی از خدمات چندین ساله آندره گرومیکو در همه سمت‌هایی که حزب و دولت به او واگذار کرده است، قدردانی کرد. گارباچف به نمایندگی از سوی شورایی عالی از گرومیکو به خاطر کار خستگی‌ناپذیرش در خدمت به خلق و کشور تشکر کرد. شورایی عالی با تقاضای پیوتر دمیچف که در خواست کرده بود به هلت کیر سن از سمت معاون اول صدر هیات رئیس‌معاون شود، موافقت کرد. به جای دمیچف، اناتولی لویکوف انتخاب شد.

به پیشنهاد شورای وزیران، شورایی عالی در شورای وزیران نیز تغییراتی داد. الکسی آنتونوف که نماینده دائمی شوروی در شورای همیاری اقتصادی و معاون اول صدر شورای وزیران بود، بازنشسته شد و به جای وی، نیکلای تالیسین به سمت نماینده شوروی در شورای همیاری اقتصادی و خانم الکساندرا بیروکوا به عنوان معاون اول نخست وزیر برگزیده شدند. در پی انتخاب ویکتور چیریکف (که تاکنون ریاست کمیته امنیت دولتی (ک.ا.گ.ب) را بر عهده داشت) به عنوان دبیر کمیته مرکزی ج. ک. ا. ش.، ولادیمیر کریوکوف به ریاست ک.ا.گ.ب برگزیده شد.

## بقیه از صفحه اول

پینوشه با توسل به همه امکاناتش کوشید از ابراز دمکراتیک اراده مردم شیلی جلوگیری کند. پلیس در طول چند هفته پیش از همه‌پرسی، با ماشین‌های آب‌پاش و گاز اشک‌آور به تظاهرات مردم حمله می‌کرد. یک طرف دیگر پینوشه این بود که ماموران پلیس به شرکت کنندگان در تظاهرات اپوزیسیون حمله‌ور می‌شدند و پس از اینکه به بهانه کنترل، کارت شناسایی مردم را می‌گرفتند، این کارتها را به آتش می‌کشیدند. برای شرکت در رای‌گیری، داشتن کارت شناسایی الزامی بود.

رژیم پینوشه در تبلیغات پیش از همه‌پرسی خود، وعده یک "دمکراسی همه جانبه، مدرن و پایدار" را می‌داد و ادعاهایی در مورد به اصطلاح موفقیت‌های اقتصادی خود می‌پراکند. اپوزیسیون، تا پیش از ماهی اخیر، محور تبلیغات خود را نقض حقوق بشر در شیلی قرار داده بود. اما آخرین نظرخواهی‌ها نشان می‌داد که برای تقریباً ۲۵ درصد مردم که هنوز تصمیم به رای مخالف یا موافق نگرفته بودند، مسائل اقتصادی نقش تعیین‌کننده را در اتخاذ تصمیم داشت. از این رو، نیروهای اپوزیسیون پیش از پیش به افشای تبلیغات هوافریبانه رژیم پینوشه در مورد به اصطلاح پیشرفت اقتصادی شیلی پرداخت. بعنوان نمونه، دولت

## پینوشه در همه‌پرسی شکست خورد

مدهی است بیکاری در شیلی بالغ بر ۱۴ درصد است، اما نشریات اپوزیسیون به این نکته اشاره می‌کنند که در این آمار، دارندگان مشاغل کاذب و نیز پدیده کم‌کاری در نظر گرفته نشده است. از دیگر موضوعات تبلیغاتی اپوزیسیون، انزوای جهانی شیلی از هنگام روی کار آمدن پینوشه در سال ۱۹۷۳ است. زمانی پینوشه در یک مصاحبه تلویزیونی گفته بود: "من می‌توانم تعداد دوستانم را با انگشتان یک دست بشمارم، و تازه وقتی بشمارم، باز هم انگشت‌هایی باقی می‌ماند". پس از کودتا تاکنون تنها ۵ رئیس‌جمهور از شیلی دیدن کرده‌اند. همه این روسای جمهور، نظامیانی بوده‌اند که مانند پینوشه با کودتا به قدرت رسیده‌اند. اکنون، پس از شکست پینوشه در همه‌پرسی، این پرسش مطرح است که آینده سیاسی شیلی چه خواهد شد؟ آیا پینوشه خواهد توانست هلیرغم اعتراضات گسترده مردم، همانگونه که خود اعلام کرده است، تا پایان سال ۱۹۸۹ بر سر کار بماند؟ همه نظرها متوجه اپوزیسیون شیلی است. ۱۶ حزب اپوزیسیون، که حزب کمونیست شیلی در میان آنها نیست، نیروی خود را بر تلاش برای جلب نظامیان هالی‌رتبه به مذاکرات پیرامون آینده شیلی متمرکز کرده‌اند. اما حزب کمونیست شیلی، که برخی ناظران معتقدند در صورت برگزاری انتخابات آزاد خواهد توانست ۲۰

در صد آرا را به دست آورد، پیش از همه‌پرسی اعلام کرده در صورت پیروزی پینوشه که به معنای تقلب در همه‌پرسی می‌بود، دست به تدارک اهتصاب عمومی خواهد زد. همچنین جیبه میهنی مانوئل رودریگز تاکید کرد در صورت تقلب و پیروزی پینوشه، مبارزه مسلحانه را از سر خواهد گرفت. رژیم پینوشه به منظور انجام یک مانور انتخاباتی، در آخرین روزهای پیش از همه‌پرسی ممنوعیت ورود آخرین گروه مهاجران سیاسی شیلیایی به کشور را که شامل ۴۳۵ تن می‌شد، لغو کرد. بدین ترتیب دیگر هیچ‌یک از سیاستمداران دمکرات و کمونیست ممنوع‌الورود نیستند. بسیاری از آنان پیش از برگزاری همه‌پرسی به شیلی بازگشتند. بسیاری نیز در تدارک بازگشت به کشورشانند تا در آینده سیاسی شیلی نقش بازهم‌فعال‌تری ایفا کنند. شکست پینوشه در فرآیند، شکست دیکتاتوری نظامی ۱۵ ساله شیلی محسوب می‌شود. این شکست، بدون مبارزات مستمر و جانفشانی‌های مردم شیلی، بدون پیگیری و استواری نیروهای انقلابی و دمکراتیک در مبارزه با دیکتاتور، میسر نمی‌بود. پینوشه، داوطلبانه از مسند قدرت کنار نمی‌رود. این اراده مردم است که حتی در چارچوب یک همه‌پرسی ترتیب داده شده از سوی رژیم، مهر خود را بر روند رویدادها کوبیده است.

## در غرب کرمانشاه چه گذشت؟

بر شدت کنترل شهرها و جاده‌ها افزودند. چهارشنبه ۳۰ شهریور، در تلویزیون رژیم نمایشی از چندتن از مجاهدین اسیر شده در کرمانشاه نشان داد که یکی از آنها را در حالی که بر اثر جراحات وارده، روی تخت دراز کشیده بود به جلوی دوربین آورده بودند. این مصاحبه، شب پیش از پخش آن از تلویزیون تمیسه شده بود و اسراراً بلافاصله پس از ضبط مصاحبه به جوخه اهدام سپرده بودند. خبر اهدام این مجاهدین، توسط رژیم اعلام نشد.

خود را بالا ببرند، این سربازان را بلافاصله تحت عنوان مجاهد به قتل رساندند. در کرمانشاه، اسلام‌آباد، کرد، به‌دان و ایلام، به‌زمان با "عملیات مرصاد" و پس از آن، چوبه‌های دار برپا شد. در این شهرها، تعدادی از مردم که با رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی ابراز مخالفت کرده بودند، و نیز شماری از زندانیان سیاسی بطرز وحشیانه‌ای در ملاعام به دار آویخته شدند. تا چندین روز پس از کشتار کرمانشاه، از گانه‌های سرکوب

## بقیه از صفحه ۳

قتل‌عام، برخی از افرادی را که به‌زور به جبهه آورده بودند، مجبور کردند تا به شمارش کشته‌های مجاهدین بپردازند. پس از محاصره مجاهدین، تعدادی از افراد آنها توانستند با گریز از حلقه محاصره، به کوهما و دشتهای اطراف پناه برند. این افراد را در آن روزها دیگر نمی‌شد از سربازان فراری متمایز کرد. چه بسیار بودند سربازانی که پس از چند روز آوارگی در کوه و بیابان به اسارت جنایتکاران رژیم درآمدند و مزدوران برای آنکه آمار جنایات

## از میان دیگر رویدادها

● برای نخستین بار در تاریخ هائیتی، رنه تئودوره (سمت راست) و ماکس بورژولی رهبران حزب کمونیست این کشور در هفته گذشته با رئیس جمهور هائیتی دیدار کردند. ژنرال آوریل که در ماه گذشته با یک کودتای نظامی به قدرت رسید، اعلام کرده است که سیاست دولتش مبتنی بر نوسازی دموکراتیک، حمایت حقوق بشر، رشد اقتصاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر خواهد بود. کودتای اخیر در هائیتی با شرکت فعال جنبش افسران جزا ارتش هائیتی انجام گرفت که تاکنون توانسته اند ارتش هائیتی را از وجود چندین افسر عالی رتبه دوران حکومت دو والیه پاکسازی کنند.



● ریگان بودجه نظامی ۳۵۰ میلیارد دلاری سال مالی آینده آمریکا را امضا کرد. در این بودجه، مبلغ ۴٫۱ میلیارد دلار به پروژه «جنگ ستارگان» اختصاص یافته است.

● در جریان یک اهتصاب همومی در مناطق اشفالی، در هفته گذشته درگیری‌هایی میان فلسطینی‌ها و سربازان اسرائیلی روی داد که در جریان آن حداقل ۱۰ فلسطینی مجروح شدند.

● در انتخابات شهرداری‌های فرانسه، احزاب راستگرا دچار شکست سختی شدند. لیبرال‌ها ۷۱ کرسی از ۴۴۱ کرسی خود و گلیست‌ها ۱۳ کرسی از ۳۶۵ کرسی خود را از دست دادند. حزب فاشیستی «جبهه ملی» تنها به یک کرسی دست یافت. حزب کمونیست فرانسه در مقایسه با ۶ سال پیش ۱۳ کرسی کمتر به دست آورد. شمار کرسی‌های کمونیست‌ها اکنون ۳۶۵ است. بزرگترین پیروزی را حزب سوسیالیست از آن خود کرد و با افزودن ۸۹ کرسی بر تعداد نمایندگان خود، این تعداد را به ۵۹۲ رساند.

● اخیراً گوشه‌های دیگری از نقش هوامل «سیا» در نیکاراگوئه افشا شد. فاش گردید که مزدوران «سیا» در این کشور، طبق رهنمودهایی که از سفارتخانه آمریکا و دیگر مراکز می‌گرفتند، می‌کوشیدند مخالفین دولت ساندینیست را متشکل کرده، اهتصاب، تظاهرات و طغیان به پا کنند. این اطلاعات، که قبلاً آنها را دولت نیکاراگوئه انتشار داده بود، از جانب سخنگوی مجلس نمایندگان آمریکا، پس از این که در کمیته‌های این مجلس از چند تن از هوامل سیا بازپرسی به عمل آمد، افشا گردید.

## حکومت نظامی در الجزایر

(معادل ۱۸۵۰ ریال) و بهای یک لیتر آب آشامیدنی به ۱۶ دینار (۸۰ ریال) بالغ می‌شود. تظاهرات از مدارس آغاز شد و سپس گروه‌های دیگری از مردم به آن پیوستند. به گزارش خبرگزاری‌ها، تظاهرات کنندگان در برخی نقاط شعارهایی به طرفداری از بنیادگرایی اسلامی می‌دادند. شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر پس از یک جلسه فوق العاده دولت این کشور اعلام کرد از این پس همه موسسات دولتی تحت فرماندهی نظامی قرار دارند. وی گفت دولت الجزایر ادامه نآرامی‌ها را تحمل نخواهد کرد. بن جدید در همین حال وعده داد که برای جبران تورم ۱۵ درصدی، دستمزدها افزایش خواهد یافت.

در روز پنجشنبه ۶ اکتبر بدنبال دو روز نآرامی‌های شدیدی در الجزیره پایتخت الجزایر، دولت این کشور در سراسر الجزایر حکومت نظامی اعلام کرد. خیابانهای شهرها تحت کنترل سربازان درآمدند.

نقطه شروع اعتراضات، افزایش قیمت مواد غذایی بود. از روز سه شنبه، تظاهرکنندگان جوان دست به تخریب فروشگاهها و آتش زدن اتومبیل‌ها زدند. پلیس ضد شورش در روز پنجشنبه با توسل به گاز اشک‌آور و باتوم علیه تظاهرات وارد عمل شد.

بهای مواد غذایی در الجزایر به علت سیاست صرفه جویی دولت به شدت افزایش یافته است. قیمت یک کیلوگرم گوشت گاو به ۱۵۰ دینار

## نآرامی در پاکستان

مرور برقرار شد. برخی محافل اپوزیسیون اظهار عقیده کرده‌اند که احتمالاً هدف از براه انداختن نآرامی‌ها در پاکستان، به تعویق انداختن انتخابات یا جلوگیری از آن است. قرار است انتخابات پارلمانی پاکستان در روز ۱۶ نوامبر برگزار شود. در سالهای گذشته نیز کراچی و حیدرآباد شاهد درگیریهای خونین دو گروه قومی سندی و مهاجر بوده است. مهاجرین، به گروهی اطلاق می‌شود که پس از تجزیه شبه قاره هند توسط بریتانیا، از مندربه پاکستان کوچ کردند.

در جریان درگیری‌های قومی میان «مهاجرین» و «سندی‌ها» در پاکستان که از روز جمعه ۳۰ سپتامبر آغاز شد، حداقل ۲۲۰ تن کشته و ۳۵۰ تن مجروح شدند. درگیری‌ها در شهر حیدرآباد آغاز شد. در این شهر حداقل ۱۵۰ نفر به ضرب گلوله کشته شدند. به گفته سندی‌ها، این کشتار توسط افراد گروه قومی «مهاجرین» انجام گرفته است، اما در میان کشته شدگان، وابستگان به هر دو گروه قومی دیده می‌شوند. نآرامی‌ها تا روز یکشنبه دوم اکتبر ادامه یافت. در بخشهایی از کراچی، بزرگترین شهر پاکستان، مقررات منع عبور و

## جایزه صلح نوبل به سازمان ملل تعلق گرفت

مورد تشکیل شده‌اند، دارای یک ارتش دائمی خواهد شد. پیشنهاد شوروی همچنین شامل این است که در آینده نیروهای پاسدار صلح ملل متحد در صورتی نیز که «خطر مداخله خارجی باهدف برهم زدن ثبات دولت‌ها» وجود داشته باشد، وارد عمل شوند. اتحاد شوروی اعلام آمادگی کرده است که بخشی از این نیروها را تامین کند. در پیشنهاد شوروی آمده است نقش دبیرکل باید در سازمان ملل افزایش یابد، و از جمله، وی از حق فراخواندن شورای امنیت، گزارش‌دهی به این شورا درباره تحولات مناطق بحرانی و دادن پیشنهاد برای اقداماتی جهت حل مسالمت‌آمیز بحرانها برخوردار شود.

جایزه صلح نوبل امسال به سازمان ملل متحد تعلق گرفت. این جایزه به خاطر تلاشهای این سازمان برای برقراری صلح در نقاط مختلف جهان، به دبیرکل سازمان ملل تسلیم خواهد شد.

اتحاد شوروی در جریان اجلاس جدید مجمع همومی سازمان ملل متحد یک سلسله پیشنهادها برای تقویت نقش این سازمان در تامین صلح و حل بحرانها ارائه کرده است. این سند از جمله شامل پیشنهاد تشکیل «نیروی ذخیره‌ای از ناظران نظامی و نیروهای مسلح ملل متحد» است. در صورت اجرای این پیشنهاد، سازمان ملل که نیروهای پاسدار صلح آن تاکنون، مورد به

## انتشار گزارش سازمان عفو بین الملل

مزار سازمان در سراسر جهان برای دفاع از حقوق بشر فعالیت می‌کنند. به عنوان نمونه، گزارش مزبور خاطر نشان می‌کند زمانی که در سال ۱۹۳۴، سی هزار دهقان السالوادوری قتل عام شدند، تنها شماری از مستشاران خارجی حاضر در السالوادور از این کشتار اطلاع یافتند. اما امروز قتل تنها یک نفر کافی است تا اعتراضات جهانی را برانگیزد. در گزارش آمده است: «امروز بیش از هر زمانی در تاریخ جهان، حکومت‌ها در معرض دید افکار همومی بین‌المللی‌اند و این بزرگترین سلاح ماست.»

در هفته گذشته گزارش سال ۱۹۸۸ سازمان عفو بین‌الملل در لندن انتشار یافت. در این گزارش آمده است هلیرغم «تصویر زشت» نقض حقوق بشر در جهان، شکنجه، آدم‌ربایی‌ها سازماندهی شده از سوی دولت‌ها و قتل، دلیلی برای بدبینی وجود ندارد. عفو بین‌الملل از همه شهبوندان جهان خواسته است تا به «موضع غالباً» انفعالی خود در مورد رعایت حقوق بشر پایان دهند و فعال‌تر از گذشته خواهان رعایت حقوق بشر شوند. در گزارش عفو بین‌الملل آمده است بیش از

## جشن اومانیته

## جشن آزادی و سوسیالیسم

## انتخاب گارباچف به عنوان

## صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی

مدت به عالی‌ترین سطح رشد رساند و شرایط زندگی مادی و اجتماعی مردم را بهبود همده‌ای بخشید. گارباچف تاکید کرد نوسازی در اتحاد شوروی وارد مرحله نوینی شده است.

به گفته رهبر شوروی، اینک پیشرفت عملی و بهبود واقعی وضعیت، بویژه در مورد شرایط زندگی مردم، ضروری است. وی به نقش ویژه‌ای اشاره کرد که در این مورد شوراهای به مثابه ارگانه‌های واقعی قدرت خلق بر همده دارند. میخائیل گارباچف سپس به وظایف آینده پرداخت و سخنانی در مورد سطح تحقق مصوبات نوزدهمین کنفرانس ح.ک.ا.ش. ایراد کرد. وی اظهار امیدواری نمود که در تحقق ۱۰ بقیه در صفحه ۱۰

میخائیل گارباچف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ا.ش.) در روز شنبه اول اکتبر در جریان اجلاس فوق‌العاده شورای عالی اتحاد شوروی به اتفاق آرا به عنوان صدر هیأت رئیسه شورای عالی برگزیده شد. شورای عالی با تقاضای آندره گرومیکو صدر سابق هیأت رئیسه مبنی بر کناره‌گیری از این سمت موافقت کرد.

میخائیل گارباچف دبیر کل ح.ک.ا.ش. و صدر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی در نطق خود در اجلاس مزبور از بابت اعتماد ابراز شده نسبت به وی تشکر کرد. وی گفت اکنون باید امکانات نظام اجتماعی سوسیالیسم را هر چه کامل‌تر مورد استفاده قرار داد، کشور را در کوتاه‌ترین

عنوان تنها راه قلبه بر ناهنجاری‌های اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای آزاد و مبتنی بر مناسبات عادلانه یادآوری می‌کرد.

طرح مسائل مختلف زندگی روزمره مردم در جشن مانند کاهش قدرت خرید، بیگاری، بی‌عدالتی، آموزش و پرورش، بهداشت، آزادی‌های دموکراتیک که به شکل شعارهایی چون "۶۰۰۰ فرانک برای حداقل دستمزد" یا "برداشت ۴۰ میلیارد فرانک از بودجه نظامی به نفع آموزش و پرورش" تبلور می‌یافت، همراه با تظاهرات بزرگ کارگران امتصابی کارخانه‌های اتوموبیل‌سازی نو، صنایع نظامی داسو، الکترونیک تامسون، معادن زغال‌سنگ گاردان و... که روز یکشنبه به مراسم سخنرانی ژرژ مارش دیرکل حزب کمونیست فرانسه در محل جشن پیوستند و همچنین ابتکار "جشن جوانان کمونیست" که بمناسبت هفتادمین سالگرد تولد نلسون ماندلا، گردهمایی بزرگی را با شرکت جیمز استوارت عضو کمیته بقیه در صفحه ۶

جشن "اومانیته" ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه، امسال بر محور بزرگداشت دویستمین سالگرد انقلاب کبیر فرانسه با موفقیت فراوان در روزهای ۹، ۱۰ و ۱۱ سپتامبر در پاریس برگزار شد. این جشن که به‌مثابه بزرگترین جشن مردمی و فرهنگی فرانسه، هر ساله چند صد هزار نفر از زحمتمکشان پاریس و حومه را گرد هم می‌آورد، محلی است برای اجتماع همه کسانی که "نیاز به اتحاد برای دفاع از حقوق خود در مقابل بی‌عدالتی‌ها و بمنظور تغییر و تحول اوضاع را احساس می‌کنند." گردهمایی عظیم امسال ضمن تأیید آماجهای اساسی انقلاب کبیر فرانسه یعنی "آزادی، برابری و برادری"، بیانگر مطالبات ناشی از ضروریات عصر نوین برای ساختمان یک جامعه عادلانه و انسانی بود. بر بالای سن بزرگ بخش بین‌المللی جشن، شعار "آزادی، برابری، برادری، صلح و سوسیالیسم"، ضرورت تحول سوسیالیستی جامعه و در واقع تحول برای خاتمه دادن بهره‌کشی فرد از فرد را به

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسید بانکی

پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۱۳ مارک	۱۱ مارک	نشریه "کار"	<input type="checkbox"/> یک ساله
۲۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
۳۰ مارک	۲۷ مارک	نشریه "اکثریت"	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸	۵۲		<input type="checkbox"/> یک ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

**AKSARIYAT**  
**NO. 228**  
MONDAY, 10 Oct, 88

آدرس: Address:  
**RUZBEH**  
**POSTFACH 1810**  
**5100 AACHEN**  
**W. GERMANY**

حساب بانکی:  
**AUSTRIA WIEN**  
**BAWAG**  
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)  
**NR. 02910701-650**  
**DR. GERTRAUD ARTNER**

با جمع آوری کمک مالی  
فدائیان خلق را در انجام  
وظایف انقلابی  
یاری دهید



**مهمبستگی:** پیروزی را می‌بینید که نام خود را برپای طوماری می‌نهد. طومار در ابراز انزجار از جنایات خمینی در زندانها و به منظور دفاع از زندانیان سیاسی میمن مان تهیه شده است. ابتکار این عمل از آن ایرانیان دمکرات متقیم شهر "بادبفن زن" آلمان ندرال است. آنها با افضای جنایات رژیم خمینی از مردم می‌خواستند در کارزار دفاع از زندانیان سیاسی ایران شرکت نمایند. پیرسپید مو طومار را امضا می‌کند و بدینگونه با رزمی که در قاره‌های دیگر جریان دارد همبسته می‌شود. حلقه انزوائی جهانی رژیم رسوائی خمینی را همین حلقه‌های کوچک شکل داده و تحکیم کرده است.